

رنتبسی:

ما شیعه شما ایرانی‌ها شدید!



فرداونده:تقی دراکام

آنها حشر ونشر داشته نقل می‌کرد که شهید رنتبسی در ابتدای آشنایی‌شان – به دلایلی مانند جنگ ایران و عراق – به جمهوری اسلامی نگاه مثبتی نداشت اما در پایان دوران تبعید به برادران ایرانی خود می‌گفت: «ما شیعه شما شدیم»!

اقدامات قاطعانه و شجاعانه رنتبسی در تجدید حیات جنبش حماس، خوشایند دولت خودگردان فلسطین واقع نشد و این بار به دستور این دولت دستگیر و در آوریل ۱۹۹۸ روانه زندان شد. این نخستین و آخرین بار نبود که دولت عرفات او را دستگیر کرد، او در مجموع ۲۷ ماه زندان رفته بود.

دکتر رنتبسی در برابر ترور رژیم صهیونیستی می‌گفت: «برای اطمینان به شما اعلام می‌کنم که شهادت رنتبسی، زهار، هنیه، نزار ریان، سعید صیام و دیگران، جز بر عشق و همبستگی ما نمی‌افزاید؛ چرا که ما در این دنیا دست در دست هم بر ادامه مقاومت و مبارزه با دشمن عهد کرده‌ایم و فردای قیامت، آن هنگام که در برابر خداوندگار خود حاضر می‌شویم، در کنار همدیگر خواهیم ماند، بنده از شارون و همدستانش می‌خواهم که این خیال باطل را از سر بیرون کنند و بدانند که با وجود مشکلات پیش رو، راه مقاومت همچنان ادامه دارد و به شهادت تنها راه منتهی به بهشت است، از همین رو سستی و ضعف را به قلب ما راهی نیست».

رنتبسی یک روز قبل از شهادتش در آخرین مصاحبه مطبوعاتی، با به تصویر کشیدن جنایات صهیونیستی اظهار کرد: «قدرت دشمن نمی‌تواند مانع تحقق پیروزی شود. چه بسیار کشورهای ستمگری که در اوج قدرت فروپاشیده‌اند. این بالایی است که بر سر آلمان و اتحاد جماهیر شوروی سابق آمد و عجیب نخواهد بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی در عین قدرتمندی نابود شوند. فکر می‌کنم اراده جوانان فلسطینی، هزاران مرتبه قوی‌تر از سربازان صهیونیست است».

عبدالعزیز عبدالرحمن رنتبسی بعد از سال‌ها مجاهدت و مبارزه در حالی که تنها ۲۶ روز پس از شیخ احمد یاسین رهبري حماس را بر عهده داشت، در شب شنبه ۱۷ آوریل ۲۰۰۴ با موشک هلفایر بالگردهای اپاچی از ارتش اسرائیل به اتومبیلش در شمال غزه، به همراه ۳ تن از همراهانش، ۵۷ سالگی به شهادت رسید. با وجود تبلیغات مسموم استکبار جهانی و صهیونیسم، بیش از ۴۱۰۰۰ شهید و سازمان بین‌المللی، ترور او را محکوم کردند.

شهید رنتبسی در مصاحبه‌ای پس از ترور ناموفقش پس از شهادت شیخ احمد یاسین، جملاتی‌سر زبان آورده است که هرگز از یاد مجاهدان فلسطینی نخواهد رفت: «ایا ما از مرگ می‌ترسیم؟ ما همگی روزی خواهیم مرد، چه با قتل و چه با سرطان ... ما همگی منتظر روز پایانی زندگی‌مان هستیم، فرقی نمی‌کند، چه با اپاچی و چه با سکنه قلبی، ولی من اپاچی را ترجیح می‌دهم».

سایت تریبون مستضعفین ***

اوضاع دین در ایران

بعد از لغو قرارداد انحصار تنباکو

بحمدالله ذو نعمان مسلمانان در ایران از نو تجدید شد، کوب‌های سعادت و نیک‌بخشی مسلمانان دیگر بار از برج سعادت و اوج استقامت رخ نمود، مهر منیر اسلامیت در آفاق ممالک محروسه ایران دوباره به تابش آمد، عموم مردم را شوق و رغبت به اسلامیت هر چه بود یک به چندین بیفزود.

در ماه مبارک رمضان همین سال که مسبوق بدان وقوعات گذشته بود، علایه و بر ملا، روزه‌خوری در میان مردم نبود؛ سهیل است که از آن رغبت و میلی که عموم مردمان را بالطبع به وظایف مسلمانان و مراسم دینداران دست داده و از آن شوق و نشاطی که مسلمانان را به طاعت و عبادت روی آورده و کثرت جمعیت و ازدحام مسلمانان در مساجد و مجامع و وراج کار و بازار ارباب محراب و منبر به طوری جلوه نمود که حتی اینکه جماعت وعاظ از فرط شگفتی نتوانستند خودداری کنند؛ از مشاهده این وضع و حال نوظهور مسلمانان، مکرر در منابر به لسان آورده اظهار تعجب و شگفتی‌ها کردند. مطلب از بس تازگی داشت و در نظرها طرغه می‌نمود، مکاتیب و مراسلات ایران این معنا را با شروح و تفاسیلی در سایر اقطار نشر دادند، جلالت شأن و شرافت عنوان علمای شریعت نزد ایرانیان و اسلامیان که جای خود داشت، بر تمام ملل و ادیان عالم ظاهر و آشکار شد.

جمعی از ایرانیان که در بلاد خارجه سکننا دارند، عریضه تشکر آمیزی درباره این تغییر وضع و حال ایران به حضور مبارک حضرت مستطاب رئیس علمی شریعت آقای حجت‌الاسلام – مت‌الله السملی بطول بقتله – معروض داشته و صورت آن عریضه را به طبع درآورده و برای پیشرفت مقاصد خودشان همه جا منتشر کردند.

حسن‌اصغهبائی کربلایی تاریخ دختانیه رسول جعفریان نشر الهادی صفحات ۲۱۷ و ۲۱۸

حضرت امام صادق(ع):

نماز ندب، انسان را خوش بسیما، خوش اخلاق و خوشبوی می‌کند، روزی را زیاد و بدیهی را پرداخت می‌نماید، غم و اندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد خوندی
مدیر عامل: زهرا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۰
vatanimrooz@
پست الکترونیک: info@vatanimrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



نگاهی به فیلم «بچه مردم»

احیای یک ژانر مغفول و شیوه پیوند

بین نوجوانان و مفهوم امر ملی

بچه ایران

خنده‌هایی بی‌ریامی آفریند که با ارزش‌های خانوادگی همخوان است. برخی منتقدان داستان را بیش از حد ساده دانستند اما استقبال بی‌نظیر مخاطبان و تأثیر فرهنگی فیلم، آن را به اثری فرازمانی بدل کرد. «کلاه‌قرمزی و پسر خاله» نشان داد کمدی موزیکال ایرانی، با تکیه بر شخصیت‌های عروسکی و فرهنگ بومی، می‌تواند اثری ملی و محبوب خلق کند. این فیلم، با سرخوشی و سادگی، پیامی درباره صداقت و روابط خانوادگی منتقل می‌کند و همچنان در بازپخش‌های تلویزیونی، نسل‌ها را به خنده وامی‌دارد.

مکس (۱۳۸۳)

ساخته سامان مقدم با فیلمنامه پیمان قاسم‌خانی، محصول سال ۱۳۸۳، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های کمدی موزیکال در سینمای ایران است که با طنزی هوشمندانه و عناصر موزیکال، اثری سرگرم‌کننده و ارزشمند خلق کرده است. این فیلم، سومین اثر بلند مقدم پس از «سپاوش» و «پارتی»، داستان گروهی از نخبگان ایرانی مقیم خارج را روایت می‌کند که به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای شرکت در یک همایش فرهنگی به ایران می‌آیند اما یک اشتباه در ارسال دعوت‌نامه، فردی غیرمنتظره (با بازی فرهاد آئیش) را وارد این جمع می‌کند و زنجیره‌ای از موقعیت‌های طنزآمیز را رقم می‌زند. این سوءتفاهم که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی دارد، به فیلم اجازه می‌دهد با ظرافت به موضوع هویت و همبستگی ملی بپردازد، در حالی که ارزش‌های فرهنگی ایرانی را پاس می‌دارد. عنصر موزیکال در «مکس»، با موسیقی متن امیر توسلی، جلوه‌ای ویژه دارد. ملودی‌های پاپ و سنتی ایرانی در صحنه‌های گروهی، مانند اجرای دلباهه در همایش یا لحظات آوازخوانی شخصیت‌ها، حس سرخوشی و سادگی را به مخاطب منتقل می‌کند. این سانس‌ها با فیلمبرداری توریج منحصوری و قاب‌بندی‌های رنگارنگ، حال‌وهوایی شاد و پویا خلق می‌کنند که با روح فرهنگ ایرانی همخوانی دارد. فرهاد آئیش، با بازی ماندگار خود، قلب طنز فیلم را شکل می‌دهد؛ در حالی که امید جوان و امیر جعفری با اجراهای پرانرژی و دیالوگ‌های هوشمندانه قاسم‌خانی، خنده‌های بی‌وقفه‌ای می‌آفرینند.

بازیگران مکمل، مانند محمدرضا شسریفی‌نیا، به تقویت فضای صمیمی فیلم کمک می‌کنند. تدوین ریتمیک و کارگردانی روان مقدم، مضامین جزئی فیلمنامه، مانند برخی پیش‌گامی‌ها قبل پیش‌بینی را جبران می‌کند. «مکس» با طنز موقعیت و لحظات موزیکال، پیامی درباره وحدت فرهنگی و ارزش‌های ملی منتقل می‌کند که با روح ایرانی همسو است. اکران فیلم در سال ۱۳۸۴ با استقبال گسترده مواجه شد و فروش حدود ۲ میلیون تومانی آن، نشان‌دهنده اقبال عمومی به ژانر کمدی موزیکال بود. برخی منتقدان معتقد بودند فیلم می‌توانست در شخصیت‌پردازی عمیق‌تر عمل کند اما موفقیت گیشه‌ای و تأثیر فرهنگی آن غیرقابل انکار است. «مکس» نشان داد کمدی موزیکال می‌تواند با تکیه بر ارزش‌های بومی، به ابزاری برای تقویت هویت ملی و سرگرمی در سینمای ایران تبدیل شود. این فیلم، با سرخوشی موسیقی و طنز هوشمندانه، دریچه‌ای به ظرفیت‌های این ژانر گشود و اثری ماندگار برای مخاطبان خانوادگی ارائه کرد.

آهوی پیشونی سفید(۱۳۹۱)

«آهوی پیشونی سفید»، ساخته و نوشته سیدجواد هاشمی در سال ۱۳۹۱، یکی از موفق‌ترین آثار کمدی موزیکال خانوادگی در سینمای ایران است که به عنوان نخستین بخش از سه‌گانه «ختاپوس»، شناخته می‌شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی مسعود اطیابی، داستان آهوی پیشونی سفید (کترلان پروانه) را روایت می‌کند که از سخت‌گیری‌های پدرش خسته شده و با قریب عجزوه، راهی شهر آرزوها می‌شود. او در این مسیر با شخصیت‌های فولکلوریک ایرانی مانند خاله سوسکه، آقا موشه و گرگ موشه مواجه می‌شود و ماجراهای طنزآمیزی را تجربه می‌کند که با ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی ایران همسو است. موسیقی بهنام صبوحی، با ملودی‌های شاد و کودکانه، قلب موزیکال فیلم است. صحنه‌های آواز و اجراهای گروهی، مانند جشن در شهر آرزوها، با طراحی صحنه‌های رنگارنگ و فیلمبرداری فرشاد خالقی، حس سرخوشی و سادگی را منتقل می‌کنند. بازیگران، از جمله امین حبیبی، امین زندگانی و هومن حاجی‌عبداللهی، با اجراهای پرانرژی، نقش‌های کودکانه را تقویت می‌کنند. ترلان پروانه با بازی معصومانه، مخاطب کودک را جذب می‌کند و نادر سلیمانی و هاشمی با نقش‌های طنزآمیز، تعادل داستان را حفظ می‌کنند. تدوین مهدی حسینی‌وند، ریتمی مناسب برای کودکان ایجاد می‌کند و طراحی صحنه، با الهام از افسانه‌های ایرانی، جهانی خیالی و جذاب می‌سازد. اکران موفق در سال ۱۳۹۱ و استقبال منتقدان و مخاطبان، بویژه برای استفاده از فرهنگ بومی در ژانر موزیکال، فیلم را برجسته کرد. برخی انتقادهای به سادگی‌سازی داستان وارد شد اما فروش بالا و محبوبیت سه‌گانه، موفقیت آن را تأیید کرد. «آهوی پیشونی سفید» با سرخوشی موزیکال و تأکید بر ارزش‌های خانوادگی، ژانر را برای نسل جدید احیا کرد.

به مخاطبان کودک منتقل می‌کند. موسیقی محمدرضا علیقلی، با ملودی‌های شاد و کودکانه، قلب موزیکال فیلم است. صحنه‌های آوازخوانی گلنار و اجراهای گروهی، مانند لحظات پخت کلوچه با خرس‌ها، حس سرخوشی و سادگی را القا می‌کنند و با فرهنگ ایرانی همخوانی دارند. این سکنس‌ها با طراحی صحنه‌های رنگارنگ و فیلمبرداری عطاالله حبیبی، فضایی افسانه‌ای و جذاب می‌سازند که کودکان را مجذوب می‌کند. غزل شاکری با بازی معصومانه، نقش گلنار را به شخصیتی دوست‌داشتنی تبدیل می‌کند و شهبلا ریاحی در نقش مادر بزرگ، گرمای عاطفی داستان را تقویت می‌کند. اکبر دودکار و دیگر بازیگران نیز با اجراهای صمیمی، به فضای طنز و فانتری فیلم کمک می‌کنند. تدوین مقصود قائم، با ریتمی مناسب، داستان را برای مخاطب کودک پویا نگه می‌دارد. اکران فیلم در سال ۱۳۶۷ با استقبال گسترده کودکان و خانواده‌ها مواجه شد و به یکی از آثار ماندگار سینمای کودک تبدیل شد. برخی منتقدان، اقتباسی بودن داستان را نقطه ضعف دانستند اما استفاده هوشمندانه از فرهنگ بومی و موسیقی، این نقد را کمرنگ کرد. «گلنار» با طنز موقعیت، موسیقی فان و تأکید بر ارزش‌های خانوادگی، ژانر کمدی موزیکال را در سینمای کودک ایران تقویت و اثری دلنشین برای نسل‌های مختلف خلق کرد.

دزد عروسک‌ها (۱۳۶۸)

«دزد عروسک‌ها»، ساخته محمدرضا هنرمند در سال ۱۳۶۸، یکی از پیشگامان کمدی موزیکال در سینمای کودک ایران است که با ترکیبی از طنز، فانتری و موسیقی، اثری ماندگار و همسو با ارزش‌های خانوادگی خلق کرد. این فیلم با فیلمنامه‌ای از هنرمند، داستان لیلا و بهرام را روایت می‌کند که مادرشان برای خرید خانه و راهی از صاحبخانه ظالم (خورخوره) تلاش می‌کند اما عجزوه‌ای شرور و دستپاراش گنجو، کودکان را به دام می‌اندازند. لیلا و بهرام با شجاعت و همکاری، عجزوه را شکست می‌دهند و داستان با پیروزی آنها به پایان می‌رسد. پیامی که بر ارزش‌های امید و همت تأکید دارد. موسیقی محمدرضا علیقلی، با ملودی‌های شاد و کودکانه، قلب موزیکال فیلم است. صحنه‌هایی مانند آوازهای گروهی کودکان در جنگل یا لحظات شاد فرار از دست عجزوه، حس سرخوشی و سادگی را منتقل می‌کند و با فرهنگ ایرانی همخوانی دارد. این لحظات، با عروسک‌گردانی و طراحی صحنه‌های رنگارنگ، حال‌وهوایی افسانه‌ای خلق می‌کند. اکبر عبدی در نقش گنجو، با بازی طنزآمیز و فیزیکی، ستاره فیلم است و آریتا حاجیان، به عنوان مادر، گرمای عاطفی به داستان می‌افزاید. همراهی شریفی‌نیا و دیگر کودکان با اجراهای طبیعی، حس دلبستگی را تقویت می‌کنند. فیلمبرداری نعمت حقیقی و تدوین محمدرضا موینی، با ریتمی سریع، داستان را پویا نگه می‌دارند. برخی منتقدان در زمان اکران به دلیل عناصر ترسناک، فیلم را برای کودکان نامناسب دانستند اما استقبال عمومی در سال ۱۳۶۹ و محبوبیت ماندگار آن، نشان‌دهنده موفقیت فیلم بود. «دزد عروسک‌ها» با طنز موقعیت و موسیقی، ژانر کمدی موزیکال را در سینمای کودک ایران تثبیت کرد و با تأکید بر ارزش‌های خانوادگی و شجاعت، اثری دلنشین برای مخاطبان خلق کرد.

کلاه‌قرمزی و پسر خاله (۱۳۷۲)

«کلاه‌قرمزی و پسر خاله»، ساخته ایرج طهماسب در سال ۱۳۷۳، یکی از ماندگارترین آثار کمدی موزیکال سینمای ایران است که با جذب بیش از ۶ میلیون مخاطب طی ۵ سال اکران، به یکی از پربیننده‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران تبدیل شد. این فیلم با فیلمنامه‌ای از طهماسب حمید جبلی و همایون اسعدیان و صدپاینگی درخشان جبلی در نقش کلاه‌قرمزی، داستانی ساده اما عمیقاً صمیمی را روایت می‌کند که با ارزش‌های خانوادگی و فرهنگی ایران همخوانی دارد. کلاه‌قرمزی، عروسکی بازیگوش که از مدرسه اخراج شده، برای یافتن شغل به تهران می‌آید و نزد پسر خاله (جبلی) می‌رود، او که شیفته آقای مجری است، تلاش می‌کند موانع ازدواج او را برطرف کند اما با طنزآمیز ماجراهای طنزآمیزی خلق می‌کند که مخاطب را خنداند. عنصر موزیکال فیلم، با موسیقی محمدرضا علیقلی، در قالب ترانه‌های کودکانه و شاد به کار گرفته شده است. آهنگ‌های ساده، مانند آوازهای گروهی کلاه‌قرمزی و پسر خاله در استودیو تلویزیونی، حس سرخوشی و سادگی را منتقل می‌کنند و مخاطب را به دنیای پاک کودکی می‌برند. این لحظات، با عروسک‌گردانی حرفه‌ای و همسو با ارزش‌های خانوادگی و فرهنگی ایرانی خلق کرده است. این فیلم با تهیه‌کنندگی وحید نیکخواه‌زاد و فرشته طارپور، داستان گلنار (غزل شاکری) را روایت می‌کند که با پدربزرگ و مادر بزرگش کش زندگی می‌کند. هنگامی که باد دستمال آبی یادگار مادرش را بر می‌د، گلنار به جنگل می‌رود، راه را گم می‌کند و گرفتار خاله خرسه می‌شود. خرسه‌ها او را برای پخت کلوچه و کارهای روزانه نگه می‌دارند. با کمک خاله قورباغه، گلنار نقشه‌ای می‌کشد و در سبد کلوچه پنهان می‌شود تا همراه خرس‌ها به خانه بازگردد. این داستان، با تأکید بر شجاعت، همکاری و پیوند خانوادگی، پیامی مثبت

موزیکال با تکیه بر ریتم، رنگ و حرکت، داستانی را روایت می‌کند که نه‌تنها سرگرم‌کننده است، بلکه می‌تواند لایه‌هایی عمیق‌تر از احساسات انسانی و مضامین اجتماعی را منتقل کند. در ادامه به بررسی عناصر کلیدی این ژانر و ظرفیت‌های آن در سینمای معاصر می‌پردازیم.

نخستین ویژگی کمدی موزیکال، استفاده از طنز به عنوان ابزاری برای پیشبرد روایت است. برخلاف کمدی‌های صرف که اغلب به دیالوگ‌های طنزآمیز یا موقعیت‌های اغراق‌شده وابسته‌اند، کمدی موزیکال از طنز موقعیت و رفتارهای روزمره شخصیت‌ها بهره می‌گیرد. این طنز که گاه از دلباهه‌پردازی‌های شخصیت‌ها یا کنش‌های ساده آنها برمی‌خیزد، به مخاطب اجازه می‌دهد بدون نیاز به پیچیدگی‌های روایی، با داستان ارتباط برقرار کند. برای مثال، در آثار کلاسیک مانند «هفت عروس برای هفت برادر» (۱۹۵۴)، طنز از تعاملات ساده و گاه ناشیانه شخصیت‌ها در موقعیت‌های عاشقانه یا اجتماعی شکل می‌گیرد. این ویژگی به کمدی موزیکال حال‌وهوایی سبک و در عین حال صمیمی می‌بخشد که برای مخاطبان عام و خاص جذاب است. موسیقی، قلب تپنده این ژانر، نقشی مهم‌تر از تزئین روایت دارد. آهنگ‌ها در کمدی موزیکال اغلب به عنوان ابزاری برای بیان احساسات درونی شخصیت‌ها عمل می‌کنند؛ جایی که دیالوگ‌ها از انتقال عمق عواطف ناتوانند. این آهنگ‌ها به داستان ریتمی پویا می‌بخشند و لحظات احساسی را به اوج می‌رسانند. برای نمونه، در «لالاند» (۲۰۱۶) به کارگردانی دیمین شزل، آهنگ‌ها نه‌تنها داستان عشق و جاه‌طلبی را پیش می‌برند، بلکه به مخاطب امکان می‌دهند با رویاهای و ناگامی‌های شخصیت‌ها همذات‌پنداری کنند. در این ژانر، موسیقی می‌تواند از ملودی‌های شاد و پرجنب‌وجوش تا آوازهای ملایم و تأمل‌برانگیز متغیر باشد اما همیشه در خدمت روایت و شخصیت‌پردازی است. یکی دیگر از ظرفیت‌های کمدی موزیکال، توانایی آن در ترکیب لحظات شاد و غم‌انگیز است. این ژانر به دلیل ماهیت دوگانه‌اش، می‌تواند در یک لحظه مخاطب را به خنده واردد و در لحظه‌ای دیگر، او را به تأمل وادارد. این تعادل احساسی که در اثری چون «لالاند» (۲۰۱۶) به کارگردانی دیمین شزل به اوج خود می‌رسد، به فیلمساز امکان می‌دهد مضامین پیچیده‌ای چون عشق، هویت یا حتی مسائل اجتماعی را در قالبی جذاب و قابل هضم ارائه کند. در سینمای ایران که اغلب به درام‌های سنگین یا کمدی‌های سطحی متمایل است، کمدی موزیکال می‌تواند به عنوان بستری تازه برای بیان داستان‌های انسانی و اجتماعی عمل کند. این تعادل احساسی که در اثری چون «هری پاپینز» (۱۹۶۴) به کارگردانی رابرت استیونسون به اوج خود می‌رسد، به فیلمساز امکان می‌دهد مضامین پیچیده‌ای چون عشق، هویت یا حتی مسائل اجتماعی را در قالبی جذاب و قابل هضم ارائه کند. در سینمای ایران، که اغلب به درام‌های سنگین یا کمدی‌های سطحی متمایل است، کمدی موزیکال می‌تواند به عنوان بستری تازه برای بیان داستان‌های انسانی و اجتماعی عمل کند. کمدی موزیکال به دلیل ماهیت چندوجهی‌اش، نیازمند هماهنگی دقیق بین اجزای مختلف فیلم – از کارگردانی و تدوین تا طراحی صحنه و موسیقی – است. این هماهنگی که در آثار موفق این ژانر دیده می‌شود، به فیلم اجازه می‌دهد تا به تجربه‌ای یکپارچه و تأثیرگذار تبدیل شود.

■ کمدی موزیکال‌های سینمای ایران را چه کسانی ساختند؟!

ژانر کمدی موزیکال با وجود ظرفیت بالای خود برای سرگرمی و انتقال پیام‌های فرهنگی و اجتماعی، در سینمای ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و به طور کامل شکوفا نشده است. اقتضانات و حساسیت‌های فرهنگی همراه با تمرکز سینمای ایران بر ژانرهای دیگر، این ژانر را در حاشیه نگه داشته و با این حال، معدود آثار انگشت‌شمار در تاریخ سینمای ایران وجود دارند که با خلاقیت و تکیه بر ارزش‌های بومی، توانسته‌اند ظرفیت‌های این ژانر را به نمایش بگذارند و مخاطبان را با ترکیبی از سرخوشی، طنز و موسیقی به وجد آورند. در ادامه، به بررسی ۵ نمونه برجسته از این آثار پرداخته می‌شود که هر یک به نوبه خود، گامی در راستای مطرح کردن این ژانر در سینمای ایران برداشته‌اند.

گلنار (۱۳۶۷)

«گلنار»، ساخته کامبوزیا بر توتی در سال ۱۳۶۷، یکی از آثار برجسته کمدی موزیکال در سینمای کودک ایران است که با اقتباس از یک افسانه فولکلوریک روسی، داستانی دلنشین و همسو با ارزش‌های خانوادگی و فرهنگی ایرانی خلق کرده است. این فیلم با تهیه‌کنندگی وحید نیکخواه‌زاد و فرشته طارپور، داستان گلنار (غزل شاکری) را روایت می‌کند که با پدربزرگ و مادر بزرگش کش زندگی می‌کند. هنگامی که باد

دستمال آبی یادگار مادرش را بر می‌د، گلنار به جنگل می‌رود، راه را گم می‌کند و گرفتار خاله خرسه می‌شود. خرسه‌ها او را برای پخت کلوچه و کارهای روزانه نگه می‌دارند. با کمک خاله قورباغه، گلنار نقشه‌ای می‌کشد و در سبد کلوچه پنهان می‌شود تا همراه خرس‌ها به خانه بازگردد. این داستان، با تأکید بر شجاعت، همکاری و پیوند خانوادگی، پیامی مثبت

ژانر کمدی موزیکال: نگاهی به ویژگی‌ها و ظرفیت‌ها
سینمایی، ریشه در تاریخ پرپار سینمای کلاسیک هالیوود دارد و بسا آثاری چون «واژ در باران» (۱۹۵۲) به کارگردانی استنلی دائن و جین کلی، به اوج محبوبیت رسید. این ژانر که ترکیبی از طنز، موسیقی و سرخوشی است، به دلیل توانایی‌اش در درگیر کردن احساسات مخاطب به شکلی مستقیم و بی‌واسطه، همواره مورد توجه بوده است. کمدی